



تاثیرگیری احمد شاملو در شعر هوای تازه از کودتای بیست و هشت مرداد

فاطمه طاهری^۱، نگین امینیان^۲

^۱دانشگاه پیام نور ساری، (fatemeh.taheri58@gmail.com)

^۲دانشگاه دامغان، (negin.aminian.2521@gmail.com)

چکیده

هنر و ادبیات هرملتی دربرهه های مختلف تاریخ، آینه ی تمام نمای حوادثی بوده که در آن جامعه رخ نموده اند؛ به عبارت دیگر بسیاری از اندیشمندانی که سعی درابراز ایده ی خود داشته، محتوای فکری خود را در قالب منعطف "ادبیات" بروز داده اند. یکی از حوادث تکان دهنده ی تاریخ ایران، کودتای بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲ هجری شمسی است؛ حادثه ای که به طور جدی نزدیک به یک دهه منجر به انزوایی همراه با ترس برای فکر و اندیشه ی اهل قلم گردید و چون هجوم مغولان هرکه را که اندیشه ای در سر می پروراند به اجبار، به انزوا کشاند و به نوعی بزرگ ترین شوک تاریخ چند وقت اخیر ایران به شمار می رود. شاعران و نویسندگان زیادی این واقعه را در آثار خویش انعکاس داده و به نسبت متأثر شدنشان، به شرح این واقعه پرداخته اند. یکی از شاعرانی که در متن جامعه زندگی کرده و چون "لورکا" و "مایاکوفسکی" در میدان حوادث قرار داشته احمد شاملو است. این شاعر توانا و صاحب سبک در شعرهایی که پس از تاریخ بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ سروده است، به ویژه در دفتر شعر "هوای تازه" به وفور به انعکاس این شوک تاریخی پرداخته و خود را در زمره ی سیاسی ترین شاعران و نویسندگان تاریخ ادبیات فارسی قرار داده است. در این مقاله، به بررسی میزان بازتاب واقعه ی هولناک بیست و هشتم مرداد در مجموعه شعر "هوای تازه" سروده ی احمد شاملو پرداخته می شود و میزان این بازتاب در سه بخش "توصیف فضای جامعه"، "یاس و امید" و "نماد پردازی" مورد بررسی قرار می گیرد.

واژه های کلیدی: کودتا، شاملو، هوای تازه، ۲۸ مرداد

مقدمه

یکی از حوادثی که بیشترین هیاهو را در تاریخ معاصر ایران به پا کرده، کودتای بیست و هشتم مرداد سال ۱۳۳۲ است. "در دوره ی معاصر ایران، دوره مشروطه و به ویژه کودتای بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۳۲، از مهم ترین رویدادهای آن زمان بود که شاعران بسیاری را واداشت تا در سروده ای خود، این حوادث را بازتاب دهند" (امیری و نعمتی ۱۳۹۰: ۳). آزادی خیره کننده و کم سابقه ی روزنامه نگاران، نویسندگان و شاعران در فاصله ی سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ باعث شده بود که حتی یک تلنگر در جهت متوقف کردن این روند فاجعه به شمار آید و انجمن اهل قلم را به اغما محکوم کند. پس از استبداد رضا خانی، اینک شاعران و نویسندگان مجالی برای عرض اندام یافته

بودند و هرگونه تعرض به عقایدشان کافی بود که تا پایان عمر، سرخورده و منزوی شوند. دکتر مصدق با شعار "استقلال، آزادی و دموکراسی" قدم در این ماز سیاسی نهاده بود و تمام تلاش خود را در جهت نیل به این مهم معطوف کرده بود "حتی گفتمان صدر مشروطیت که در آن "من" شاعر، روشنفکر و اندیشمند، اجتماعی ترین "من" در طول تاریخ ایران زمین است، هرگز قابل مقایسه با گفتمان مصدق نیست" (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱). فاجعه ی ۲۸ مرداد به شکل وصف ناپذیر و غیرقابل انتظاری بر عقاید و آراء شاعران و نویسندگان معاصر، اثر گذاشت؛ به گونه ای که اشعار برخی از آنان تا ده سال پس از این ماجرا نیز تحت تاثیر بوده است. پس از رخ دادن این حادثه ی شوم، شاعران و نویسندگان دست مایه ی جدیدی برای موضوعات نوشتاری پیدا کردند و به قول نیما "شاعران حالا می توانستند شعر بگویند چرا که این رویداد فرصت خوبی برای شعر سردون به وجود آورده بود" (کاخی، ۱۳۹۰: ۱). احمد شاملو که پس از نیما، در شعر معاصر ایران صاحب سبک و رویه ی مستقل است و رهبر یک جریان شعری به نام "شعر سپید" به شمار می رود، به همراه مهدی اخوان ثالث شاعری است که بیشترین بازتاب حوادث سیاسی را در شعر خود داشته و از نظر خودش، شعری را سروده که "زندگی است" (شاملو، ۱۳۸۷: ۱۴۰). شاملو در میانه ی سال های ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۸ در حال وهوای مبارزات سیاسی قرار دارد و با سرودن مجموعه اشعاری چند از جمله: "قطعنامه"، "آهن ها و احساس" و "هوای تازه" به شعر اجتماعی- سیاسی روی می آورد از منظر دید وی "هنرمند باید عمیقا متعهد باشد" (قراگزلو، ۱۳۸۴: ۱۹۸). وی پروا از اوضاع خفقان زده و مختنق جامعه یاد کند و خود در کنار مردم و در صحنه ی نبرد باشد. احمد شاملو با سرایش "شعری که زندگی است" خط مشی فکری خود را در شعر بیان می کند و شعر معاصر را "حربه ی خلق" می داند و معتقد است که شاعر امروزی باید "وزن و قافیه" ی اشعارش را از میان "کوچه" و در میان توده ی مردم جستجو کند. شاملو شاعری سیاسی است که پس از سرایش "آهن ها و احساس" به طور رسمی به شعر سیاسی- اجتماعی روی آورد و از میان مجموعه ی اشعارش تنها دفتر شعر "آهنگ های فراموش شده" است که رنگ و بوی اجتماعی ندارد "شعر شاملو، بیوگرافی اجتماع ماست در جهان شعر و نیز بیوگرافی خود اوست با تمام فرازونشیب ها، با تمام دوستی ها و دشمنی ها، امیدها و یاس ها، عشق ها و قهر ها آغازها و پایان ها" (مجبایی، ۱۳۷۷: ۲۵۰).